

خودتان قضاوت کنید که جهان سومی هستید یا نه؟؟!

"اگر نمی‌توانیم بر آنها بطور کامل مسلط شویم باید بدترین انتخاب‌ها را برای آنها تبلیغ و پرنک کنیم". به نظرم این موفق‌ترین، رایج‌ترین و بی‌نقص‌ترین ترفندی است که کشورهای استعماری برای عقب نگه داشتن کشورهای جهان سوم استفاده کرده و می‌کنند و خواهند کرد. سه ویژگی بارز از خصوصیات اکثریت مردم کشورهای جهان سوم اینست که در انتخابات‌ها معمولاً: ۱- بسیار تابع احساسات و دور از عقل عمل می‌کنند. لذا براحتی مجذوب شعارهای تو خالی و پوچ می‌شوند. ۲- بسیار تابع نظرات سلبریتی‌ها - بازیگران مشهور، ورزشکاران و افراد معروف جامعه هستند لذا براحتی در راستای منافع قشر مرفه و بی‌نیاز جامعه قدم برمی‌دارند. ۳- بسیار تابع فضای مجازی و جو تبلیغاتی آن هستند که همیشه توسط کشورهای ابرقدرت و استعماری هدایت و برنامه‌ریزی می‌شود. به نوعی مورد اول و دوم نیز تابع مورد سوم هستند. در چنین جامعه‌ای افراد شایسته، با برنامه، دلسوز، متفکر، متهور، شجاع و تحول آفرین معمولاً به ندرت رای می‌آورند چراکه مردم این جوامع عمدتاً بر اساس عقل و منطق و تفکر تصمیم نمی‌گیرند و کلید تعقل خود را تحویل سه عامل فوق می‌دهند. در این شرایط هرچه شعارها، تبلیغاتی‌تر، پوچ‌تر و هیجانی‌تر باشد شانس رای آوردن بالاتر است. مثلاً من در سالهایی که در خارج از کشور ساکن بودم، بوضوح و روشنی تفاوت شعارهای تبلیغاتی را می‌دیدم و احساس می‌کردم. مثلاً در آنجا یک کاندیدای ریاست جمهوری می‌گوید من درصد بیکاری را از طریق فلان برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت و ایجاد فلان تغییرات در بودجه و فلان نگرش در آموزش عالی و فلان بهینه‌سازی‌ها در صنعت و تجارت و خدمات و کشاورزی و ... بعد از ۴ سال از ۵ درصد به ۳/۱ درصد میرسانم. حالا در ایران چطور است؟ بسیار برای من و شما آشناست که: من در همان سال اول بیکاری ۱۱ درصدی را ریشه‌کن می‌کنم! فقر را ریشه‌کن می‌کنم! فساد را ریشه‌کن می‌کنم!!! و ... (در واقع مردم را ریشه‌کن می‌کنم!) و از هیچ برنامه مشخصی هم برای این "ریشه‌کن کردنها" خبری نیست. و در طرف مقابل هم ملت شریف فریاد می‌زنند: هور!!!!!! هور!!!!!! همین ملت شریف بعد از ۴ سال یا ۸ سال می‌بینند نه تنها مشکلات ریشه‌کن نشد بلکه خودشان در حال ریشه‌کن شدن هستند لذا صبر می‌کنند تا انتخابات بعدی که هرکسی که بلندتر عربده بکشد که "... ریشه‌کن می‌کنم" دقیقاً همان را انتخاب کنند. این دور باطل و بدبختی همچنان ادامه می‌یابد تا مگر بخت و اقبال و شانس در جایی همراه ملت شود.

یادم هست که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ به دقت برنامه‌ها و شعارها و سابقه کاندیداهای ریاست جمهوری را مرور می‌کردم و در نهایت به این جمع‌بندی رسیدم که "قالیباف" تنها گزینه‌ای است که میتواند تحول آفرین باشد چراکه برای کارهایش دقیقاً برنامه‌های مدونی ارائه می‌کرد و سابقه اجرایی بسیار بسیار موفق او در شهرداری تهران هم تضمین-

کننده اجرای این برنامه‌ها بود. در طرف مقابل هم روحانی بود که شعارهای داغ می‌داد ولی اصولاً از هیچ برنامه مشخصی پیروی نمی‌کرد و اول و وسط و آخر همه شعارهایش مذاکره با غرب و آمریکا بود و بس. از قضا روحانی همشهری و فامیل دور ما می‌شد. شاید بنظر می‌رسید من باید از او حمایت کنم و برایش تبلیغات کنم ولی چون اطمینان صد در صد داشتم که این آدم نه برنامه‌ای دارد و نه توانایی و جرات کارهای بزرگ، با تمام قوا بر علیه او و به نفع رقیب در فضای مجازی تبلیغ می‌کردم و وقت می‌گذاشتم حتی در بین همشهری‌ها. آن سالها ایران نبودم ولی در فضای مجازی برای مجاب کردن دوستان و آشنایان و اقوام و همشهریها تلاش می‌کردم. ولی حیف که تلاشهای بی‌اثری بود. بدبختانه بسیاری از آنها مجذوب شعارهای غرب گرایانه حاج حسن شده بودند. از دوستان می‌پرسیدم آیا شما هیچ برنامه مشخصی از ایشان مثلاً در حوزه مسکن، صنعت، کشاورزی، هسته‌ای و ... دیده یا شنیده‌اید؟ آیا غیر از مذاکره مذاکره چیزی از سر و ته سخنرانی‌هایش شنیده‌اید؟ **مشخصاً مذاکره با غرب به عنوان یک ابزار، خوب است ولی به عنوان یک "هدف" معلوم بود که چیزی جز فاجعه نمی‌آفریند.** بدبختانه جواب اغلب آنها (حتی دوستان دانشگاهی و هیات علمی!) یک مضمون بود: "با آمریکا باش و پادشاهی کن"!!!! می‌گفتم مگر اینهمه پادشاهان ایران احمدشاه و رضاشاه و محمدرضا شاه و مصدق با غرب و آمریکا متحد نبودند؟ کجا بود پیشرفت و توسعه؟ مگر اینهمه کشور عربی و غیر عربی در دنیا متحد آمریکا نیستند پس چرا اینقدر عقب افتاده و درمانده و وابسته هستند؟ معقولانه است که با دشمن، مذاکره و تعامل کرد ولی احمقانه و سفیهانه است که به دشمن چشم امید و انتظار داشت. بدبختانه آن کسی که این شعارهای احمقانه و عوامفریب را می‌داد همان کسی بود که ۱۶ سال "دبیر شورای عالی امنیت ملی کشور!!!!!" بود. چقدر تنها و بی‌کس و غریب است کشورم که چنین موجودات وابسته‌ای در عالی‌ترین مقامات امنیتی‌اش نشسته‌اند.

... اما نتیجه چه شد؟ تا الان که ۶ سال از وجود خسارت‌بار این دولت می‌گذرد قیمت ارز ۳ برابر شده، نقدینگی ۴ برابر شده، بیکاری همه‌گیر شده، صنعت به فنا رفته و قیمت‌ها چند برابر شده و فقر حالا نکته جالب اینجاست که همین افرادی که به "حسن خان" رای دادند و باعث هدر رفتن ۸ سال از عمر کشور و عقب ماندگی کشور و پیرتر شدن جمعیت جوان کشور در این مدت بدون هیچ ثمره خاصی شدند، الان مدعی و طلبکار هستند که چنین است و چنان. **کسی نیست به این عقلاً بگوید اگر درست انتخاب کرده بودید الان کشور دچار این وضعیت نبود.** دقیقاً الان وقتی هست که باید از این دوستان پرسید: **خودتان قضاوت کنید که جهان سومی هستید یا نه؟!!!!**



انشاء الله مردی که یادگارهایش در تهران ماندنی و تکرار نشدنی هستند (برج میلاد، دریاچه چیتگر، پل طبیعت، اتوبان امام علی، اتوبان صدر، توسعه شگفت انگیز متروی تهران و ...) و یارانش بتوانند با انتخاب درست مردم، فرصت بهتر و دست بازتری برای خدمت به مردم داشته باشند. این مرد بزرگ، این مدیر قدرتمند و این مهندس واقعی، شایسته انتخاب مردم است.